حضرت امام صادق(ع):

هنگامی که به نماز ایستادی بدان که در پیشگاه خداوند هستی و اگر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. پس به نمازت توجه کن.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

اخبار

«همکارها» به آتیلا پسیانی تقدیم شد

نمایش «همکارها» نوشته جان هاج که به دوره استبداد استالینی و سانسورهای نظام‌یافته هنرمندان در شوروی سابق می‌پردازد، پنجشنبه شب اجرای خود را در سالن استاد سمندریان آغاز کرد. در پایان اجرا رامین سیاردشتی بازیگر این نمایش با یاد از آتیلا پسیانی گفت: امشب باید از هنرمندی یاد کنیم که جایش در سالن خالی است؛ هنرمندی تاثیرگذار که خیلی زود از میان ما رفت. این اجرا به آتیلا پسیانی تقدیم می‌شود. در این نمایش، رامین سیاردشتی، محمدصادق ملک، وحید نقر، ریحانه سلامت، محمد نیازی، سحر واثق، مصطفی احدی، شهرام آذرمهر، حمید باهوش، آذین فهیمی، نگین بخشی‌پور، بهرام شادانفر، علیرضا امیریزدگرد، مهران مرادی، سجاد شاه‌قلی، سوزان عمرانی، مهدی انصاریان، علی کرمانی، کیمیا مقدم و محمدجواد عارف‌اصیل به ایفای نقش پرداخته‌اند.

جان هاج درام‌نویس بریتانیایی است که سال ۲۰۱۲ برای نگارش نمایشنامه «همکارها» -که ترجمه‌های دیگری از آن نیز با عناوین «آقای نویسنده و همکارش» و «همدست‌ها» در ایران چاپ شده- برنده جایزه لارنس اولیویه شده است. «همکارها» با ترجمه معین محب‌علیان و تهیه‌کنندگی محمد قدس توسط پریسا محمدی کارگردانی شده است. مجری طرح این پروژه نمایشی را رضا عابدی بر عهده دارد.

نکوداشت جعفر والی در موزه سینما

در آستانه هشتمین سالگرد درگذشت جعفر والی، موزه سینمای ایران قصد دارد مراسم نکوداشت این هنرمند را دوشنبه ۲۷ آذر با حضور دوستان، علاقه‌مندان و هنرمندان سینما و تئاتر برگزار کند. این مراسم ساعت ۱۷ در سالن فردوس موزه سینما برگزار خواهد شد. در این مراسم فیلم مستند «یک حضور» ساخته مجتبی سعادت با نگاهی به زندگی زنده‌یاد جعفر والی نمایش داده خواهد شد و همچنین تعدادی از هنرمندان درباره این هنرمند فقید سخنرانی خواهند کرد.

زنده‌یاد جعفر والی در فیلم‌های سینمایی همچون «گل‌های داوودی»، «تنگسیر»، «ناخدا خورشید» و همچنین سریال «هزاردستان» نقش‌آفرینی داشت.

برپایی مراسم تعزیه در تماشاخانه ایرانشهر

مراسم آیینی شبیه‌خوانی به مناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) توسط گروه حضرت سیدالشهدا(ع) به سرپرستی مجید خسروان با همکاری تماشاخانه ایرانشهر و شهرداری منطقه ۶ برگزار می‌شود. این مراسم به مدت ۳ شب از شنبه ۲۵ آذر ساعت ۱۸ در پارک هنرمندان اجرا خواهد شد. علاقه‌مندان جهت حضور در این مراسم آیینی می‌توانند در تاریخ یاد شده به ضلع شمالی پارک هنرمندان بالاتر از ساختمان تماشاخانه ایرانشهر مراجعه کنند.

چهارمین کتاب از مجموعه کارآگاه اشتودر در بازار کتاب

کتاب کارآگاه اشتودر، کروک و شرکا یک رمان ژانر جنایی است که در آن مردی به شکل عجیب با پره نوک تیز دوچرخه‌ای به قتل می‌رسد و کارآگاه اشتودر ناخواسته درگیر پرونده این قتل می‌شود. روند داستان سوال‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که حل هر کدام از آنها رازی از رمان را آشکار می‌کند. پیش از این در سال ۱۳۹۸، ترجمه ۲ رمان «کارآگاه اشتودر؛ معمای منحنی تب» و «معمای مرگ ویچی» از مجموعه آثار گلاوزر با محوریت شخصیت کارآگاه اشتودر توسط همین ناشر منتشر شده‌اند.

این رمان ترجمه‌ای است از رمان Krock und Co. که سال ۱۹۸۹ منتشر شد.

برنامه‌های رادیو سلامت برای شب یلدا

برنامه «یلداشو» برای ایجاد لحظه‌های شاد در شب یلدا، سرگرمی و اطلاع‌رسانی در حوزه‌های مختلف تهیه و در شب یلدا پخش می‌شود. در این برنامه رادیویی تلاش می‌شود با حضور کارشناسان در حوزه شاهنامه‌پژوهی و حافظ‌خوانی به جست‌وجوی موارد مربوط به سلامت در آثار این شاعران پرداخته شود. همچنین تفال و گزارش از شهرستان‌های مختلف کشور و معرفی مرحوم دکتر یلدا که در شب یلدا دار فانی را وداع گفت، از بخش‌های دیگر این برنامه است. همچنین بخش گزارشی از خانه سالمندان برای تکریم این قشر اجتماع در برنامه قرار دارد.

برنامه «یلداشو» ۳۰ آذرماه از ساعت ۲۲ به مدت ۱۲۰ دقیقه به تهیه‌کنندگی مرتضی میلانی و گویندگی مسعود خواجه‌وند از موج افام ردیف ۱۰۲ مگاهرتز تقدیم شنوندگان می‌شود.

بازیگر «اپنهایمر» درباره اسطوره هنرهای رزمی فیلم می‌سازد

بنی سفدی، بازیگر فیلم «اپنهایمر» به کارگردانی کریستوفر نولان قرار است فیلمی با بازی دوئین جانسون ملقب به راک در نقش «مارک کر» قهرمان هنرهای رزمی ترکیبی و یوافسی را جلوی دوربین ببرد. این فیلم با عنوان «ماشین کوبنده» قرار است توسط A24 تولید شود. فیلم نگاهی به کشمکش‌های این اسطوره با اعتیاد، رقابت‌های ورزشی و رابطه عاشقانه او می‌اندازد. طبق آنچه این کمپانی فیلمسازی می‌گوید این فیلم تغییر مسیر راک به سمت «دراماتیک‌ترین» نقشی است که تاکنون بازی کرده است. کر، یک کشتی‌گیر بازنشسته آمریکایی و نماد هنرهای رزمی ترکیبی است. وی ۲ قهرمانی مسابقات سنگین وزن UFC را به دست آورده و در دوران حرفه‌ای ورزش خود ۲ جین مدال کسب کرده است. شبکه اچ‌بی‌او مستندی در سال ۲۰۰۳ با همین عنوان «ماشین کوبنده» درباره او ساخت. جانسون و سفدی از سال ۲۰۱۹ قرار همکاری در «ماشین کوبنده» را داشته‌اند.

رحمت امینی، دبیر اسبق جشنواره تئاتر فجر در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

هرکه آمد عمارتی نو ساخت

گروه فرهنگ و هنر: جشنواره تئاتر فجر همواره به عنوان مهم‌ترین رویداد تئاتری کشور به شمار رفته است؛ جشنواره‌ای که از ابتدای دهه ۶۰ با توجه به شرایط ویژه کشور در آن سال‌ها پایه‌ریزی و بستری برای ظهور و بروز بسیاری از هنرمندان تئاتری کشور شد تا جایی که در کنار حضور در آن به عنوان مهم‌ترین آرزو، کسب جایزه از این رویداد به نوعی رسیدن به قله تئاتر کشور نیز محسوب می‌شد. چه بسا بسیاری از هنرمندان نام‌آشنا و نامدار تئاتر کشور با کسب جوایز در این جشنواره نام و اثر خود را در تئاتر کشور ماندگار کردند اما امروز با سابقه ۴۱ دوره برپایی به‌رغم حفظ جایگاه ویژه‌اش در حوزه هنرهای نمایشی، به دلایل متعدد و مختلف که مهم‌ترین آن عدم سیاست‌گذاری واحد و ثابت بوده، همواره دستخوش فراز و فرودهای بسیاری شده است. نکته قابل تامل اینکه چرا جشنواره‌ای که در دهه‌های گذشته از آن به عنوان مهم‌ترین رویداد تئاتری نام‌برده می‌شد، با ظهور روزافزون رویدادهای ریز و درشت و رشد مضاعف و چند برابری تئاترها و گروه‌های تئاتری طی سال‌های اخیر از تاثیرگذاری و جریان‌سازی دور و دورتر شده است. صد البته که طی ادوار مختلف اتخاذ سیاست‌هایی چون افزودن بخش‌های مختلف و امتیازات ویژه از جمله تضمین اجرا در سالن‌های دولتی، همواره به عنوان مشوق‌هایی برای حضور گروه‌ها در نظر گرفته شده است اما آنچه در بدنه تئاتری کشور در سال‌های اخیر کاملا مملوس و قابل رویت است، عدم تاثیرگذاری در بدنه تئاتر است تا جایی که بسیاری از هنرمندان و گروه‌های تئاتری جوان طی سال‌های اخیر نه تنها تمایلی به حضور در جشنواره ندارند، بلکه حتی به تماشای آثار نیز نمی‌نشینند.

اما دوره چهل‌ویکم تئاتر فجر با اصلاح جزئی برخی از معایب موجود و البته به واسطه تعطیلی ۲ ساله سالن‌های تئاتر به دلیل شیوع ویروس کرونا، به عنوان تنها بستر فعالیت با موجی از اقبال و استقبال علاقه‌مندان و اهالی تئاتر در سراسر کشور روبه‌رو شد که نشان از بارقه‌های امید برای بازگرداندن ظرفیت از دست رفته‌ای بود که سال‌های سال حرف اول را در هنرهای نمایشی کشور می‌زد. بی‌تردید در میان انبوهی از نظرات مختلف و متعدد پیرامون چرایی وضعیت فعلی، سکانداران دبیری به دلیل تجربه حضور در متن و بطن این رویداد، کارشناسانه‌ترین نظرات را می‌توانند پیرامون اصلاح وضع موجود ارائه کنند.

در حالی که کمتر از یک ماه تا برپایی دوره چهل‌ودوم زمان باقی مانده است و با توجه به انتصاب مهدی حامدسقاییان به عنوان چهره دانشگاهی و پژوهشگر، تصمیم گرفتیم با رحمت امینی، دبیر دوره سی‌ام جشنواره تئاتر فجر که از لحاظ سوابق دانشگاهی و پژوهشی قرابت بسیاری با دبیر فعلی دارد، به گفت‌وگو بنشینیم.

■ آقای امینی! لطفا درباره خاستگاه جشنواره تئاترفجر و تاثیر و نقش آن در بدنه تئاتر کشور بفرمایید.

راه افتادن جشنواره‌های فجر در اوایل انقلاب در واقع نمایانگر این مهم بود که انقلاب اسلامی نه تنها به هنر بی‌اعتنا نیست، بلکه اولویتش نیز هست. بنیانگذار انقلاب اسلامی در آن شرایط هم درباره سینما و هم درباره سایر هنرها سخنرانی داشتند و رهنمودهایی بیان کردند. این اتفاق مهمی بود برای اینکه اگر گفته نمی‌شد، مسیر بسیار مبهم و سختی برابر هنر شکل می‌گرفت. این جشنواره‌ها و رویدادها به وجود آمدند تا ضمن پاسداشت انقلاب، هنر را پوشش دهند و به نظر من تا حد زیادی هم موفق شدند. در ادامه هم پیشرفت هنر باعث شد جشنواره‌های دیگر هم به نقاط خوبی برسند و به این ترتیب جشنواره‌های فجر، سایر رویدادهای هنری نیز فرصتی برای ظهور پیدا کردند.

■ نکته‌ای که وجود دارد این است این جشنواره در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تئاتری کشور به شمار می‌رفت اما هرچه جلوتر آمدیم جایگاه واقعی این جشنواره متزلزل شد و بسیاری از اهالی تئاتر حاضر به حضور در این رویداد نیستند؛ نظر شما راجع به این موضوع چیست و چرا این اتفاق افتاده؟

البته بخشی از آن به نظر من به واسطه وجود یا حضور رقبای متعددی است که به عنوان جشنواره‌ها یا رویدادهای مختلف به وجود آمدند. مثلا فرض کنید زمانی بود که ما جشنواره تئاتر دانشجویی نداشتیم. پس از برپایی جشنواره دانشجویی، چهره‌های برجسته‌ای از جمله آقای علیرضا نادری، عبدالحی شماسی و فرهاد ناظرزاده‌کرمانی بروز پیدا کردند و طوری شد که جشنواره تئاتر دانشگاهی سکویی شد برای ورود به سایر جشنواره‌ها و جشنواره تئاتر فجر و در این شرایط شاید بعد اولیه ماجرا کمی به حاشیه برود.

البته این تمام دلایلش نیست. شاید بتوانم بگویم کج‌سلیقگی‌ها و سوءمدیریت‌ها چه در کلیت تئاتر یا مرکز نمایشی و چه در برگزاری جشنواره آن را به سمت و سویی برد که الان داریم می‌بینیم. البته یکسری تحولات اجتماعی و سیاسی هم رخ داد، همچنین سیاست‌های متغیر و ناپایدار که مثلا باید آثار اول اجرای عمومی بشوند و بعد به جشنواره بیایند. یا در جشنواره یک سال داوری داشته باشیم و سال دیگر نداشته باشیم و عواملی مثل این هم موثر بود. به نظر من دلیلش عدم سیاست‌گذاری گام به گام و یکپارچه بود که به دلیل رسوخ سلیقه‌های متفاوت بود، به گونه‌ای که هرکه آمد عمارتی نو ساخت، بنابراین اگر بخواهم خلاصه کنم باید بگویم تحولات اجتماعی، فرهنگی و هنری جامعه و فقدان تفکر و مدیریت گام به گام، ما را الان به این وضعیت رسانده است.

■ خود شما ابتدای دهه ۹۰ در حالی به عنوان دبیر جشنواره تئاتر فجر انتخاب شدید که در دانشگاه فعالیت پررنگی داشتید. نوع مواجهه دانشجویان با جشنواره تئاتر فجر بویژه الان در سال ۱۴۰۲ با سال ۱۳۹۰ تغییر کرده است. این مواجهه هنرجویان و دانشجویان با تئاتر را چطور می‌بینید؟

ببینید! ما در چند سال اخیر دچار یک سیاست‌زدگی عجیب و غریب شده‌ایم، یعنی خیلی چیزهایی که شاید ذاتا به تولید هنری ربطی ندارند، تولید هنری را تحت تاثیر قرار داده است. چیزهایی که باعث شده جامعه ما تحت تاثیر دوقطبی‌ها و حتی چندقطبی‌ها سیاست‌گذاری به اصطلاح درست و اساسی نداشته باشد. فکر کنید بعد از ۴ دهه یک مدیریت باید آنقدر قدرتمند و دقیق و قوی باشد که از چندپارگی سیاست‌گذاری چه در تئاتر و سینما بری باشد، یا اگر چنین اتفاقاتی رخ دهد آنقدر مدیران و آدم‌های باتجربه و ریش‌سفید باشند که اشتباه آن مسؤول را جمع و جور کنند. آدم‌هایی که در برابر اتفاقات موضع درستی بگیرند، تعدادشان روزبه‌روز در حال کم شدن است. من خودم وقتی دبیر بودم، دقیقا یادم هست که یکی از آثار دچار مشکل شده بود. باور کنید بیش از ۷۰ درصد انرژیم صرف این شد که برای همه توضیح دهم تا بالاخره به درست‌ترین تصمیم رسیدیم و آن اجرا روی صحنه رفت. اگر یادتان باشد وقتی مسؤولیت دبیری جشنواره تئاتر دانشگاهی را به عهده گرفتم، یکسری آدم‌ها آنقدر اذیت کردند که من تصمیم گرفتم نباشم. خب! نتیجه چه شد؟ کار به جایی رسید که اصلا جشنواره تعطیل شد. من آمده بودم تا حاشیه‌ها را کم کنم ولی چند تا دوست با اسم و رسم که بعدا خودشان را کنار کشیدند، آن ضربه را به تئاتر دانشگاهی زدند.

نگاهی به دلایل ماندگاری برنامه‌های کودک و نوجوان دهه ۶۰

حکایت ماندگار قصه‌گویی زیر گنبد کبود

گروه فرهنگ و هنر: «زیر گنبد کبود» یکی از قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی ویژه کودکان و نوجوانان، از اواسط دهه ۶۰ تا میانه دهه ۷۰ پخش می‌شد؛ برنامه‌ای با عنوان قصه‌گوی آن یعنی «آقای حکایتی» برای نسل دهه شصتی شناخته و ماندگار شد. بی‌تردید آنچه باعث ماندگاری مضاعف این مجموعه تلویزیونی شد، فارغ از حضور برخی بازیگران جوان آن روزها، حضور بهرام شاه‌محمدلو به عنوان قصه‌گو و کارگردان مجموعه بود که در هر قسمت برای بچه‌ها قصه‌های جذاب و آموزنده‌ای را روایت می‌کرد. این مجموعه در سری نخست آن توسط «ایرج طهماسب» و در سری دوم توسط «راضیه برومند» نگارش شد؛ ضمن اینکه کارگردانی مشترک این مجموعه را نیز «بهرام شاه‌محمدلو» و «ایرج طهماسب» بر عهده داشتند.

در این برنامه «بهرام شاه محمدلو» در نقش آقای حکایتی به ایفای نقش می‌پرداخت و «سوسن مقصودلو»، «عباس ظفری»، «کریم رجبی»، «رحمان سیفی‌آزاد»، مرحوم «مهران ابروان» و «حسین کربلایی» نیز از دیگر بازیگران آن بودند. پخش سری اول مجموعه «زیر گنبد کبود» با نویسندگی «ایرج طهماسب» سال ۱۳۶۶ آغاز شد و در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۴ نیز نویسندگی زیر گنبد کبود بر عهده «راضیه برومند» بود. موسیقی این مجموعه هم که همچنان به عنوان یکی از جذاب‌ترین موسیقی‌ها در بین مردم زمزمه می‌شود، ساخته «بهرام دهقانیار» بود. نکته جالب اینکه تمام عوامل حاضر در سری نخست و دوم از بچه‌های فعال در حوزه تئاتر کودک و نوجوان کانون پرورش فکری و نوجوان آن سال‌ها بودند.

«زیر گنبد کبود» حکایت مرد قصه‌گویی بود که با شالی بر گردن و کتاب قصه‌ای بزرگ در دست در قاب تلویزیون ظاهر می‌شد و حکایت‌های جدیدش را طوری برای‌مان نقل می‌کرد که جلوی تلویزیون میخکوب می‌شدیم؛ آن حکایت‌ها آنچنان در پس ذهن‌مان مانده که با وجود گذشت این همه سال، هنوز هم ترانه زیرگنبد کبود را از یاد نبرده‌ایم و هر تلنگری، پلی می‌شود برای بازگشت به آن سال‌ها تا باز هم دهه شصتی‌ها، این بار نه با همان رسایی صدای کودکی‌شان، بلکه با مرور خاطرات سال‌های دور، با همان هیجان قبل از شروع برنامه و به یاد توشه‌ای که آقای حکایتی ذخیره راه این روزهای‌شان کرد، بخوانند «قصه‌گو قصه می‌گفت/ از کتاب قصه‌ها/ قصه‌های آشنا/ قصه باغ بزرگ/ قصه گل قشنگ/ قصه شیر و پلنگ/ قصه موش زرنگ».

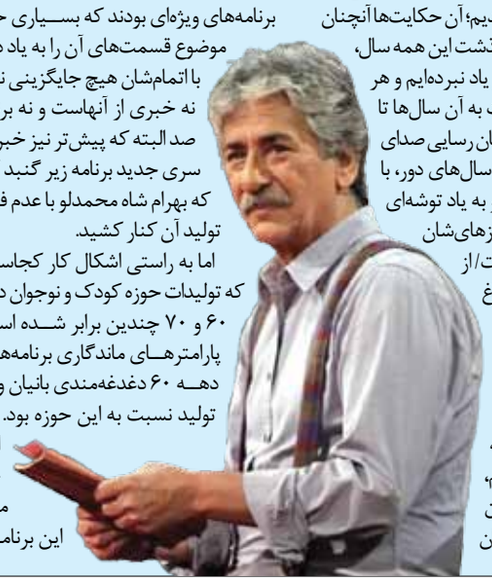

اما با گذشت زمان، هر چه ماه‌ها و سال‌ها گذشت، متاسفانه نه تنها شاهد رشد و ارتقای این‌گونه از برنامه‌سازی در تلویزیون نبودیم، بلکه امروز در جایگاه پسرفت پیرامون تولیدات گروه سنی کودک و نوجوان نیز هستیم تا جایی که حتی به‌رغم تولید انبوهی از برنامه‌های کودک و حتی اختصاص یک شبکه با محوریت کودکان اما برنامه‌های تولیدی در همان روز پخش هم در اذهان کودکان ماندگاری ندارد، چه رسد به روزها و سال‌ها. از قصه‌های تابه تا گرفته تا «سیب خنده» و «قصه‌های مجید» همگی برنامه‌های ویژه‌ای بودند که بسیاری حتی روز و ساعت و موضوع قسمت‌های آن را به یاد دارند؛ برنامه‌هایی که با اتمام‌شان هیچ جایگزینی نداشتند و امروز دیگر نه خبری از آنهاست و نه برنامه‌های مشابه آنها. صد البته که پیش‌تر نیز خبرهایی مبنی بر تولید سری جدید برنامه زیر گنبد کبود به گوش رسید که بهرام شاه محمدلو با عدم فراهم شدن شرایط از تولید آن کنار کشید.

اما به راستی اشکال کار کجاست؟ آن هم در حالی که تولیدات حوزه کودک و نوجوان در مقایسه با دهه‌های ۶۰ و ۷۰ چندین برابر شده است! بی‌تردید یکی از پارامترهای ماندگاری برنامه‌های کودک و نوجوان دهه ۶۰ دغدغه‌مندی بانیان و متولیان ساخت و تولید نسبت به این حوزه بود. بهرام شاه‌محمدلو و ایرج طهماسب در حالی به عنوان هسته مرکزی تولید محتوای این برنامه نقش پررنگی در ماندگاری و مانایی آن داشتند که در کنار برنامه‌سازی، به عنوان نخستین گروه تشکیل‌دهندگان مرکز کودک و نوجوان کانون پرورش فکری و نوجوان نیز فعالیت می‌کردند؛ مرکزی که بعدها با اضافه شدن حمید جبلی و بسیاری دیگر به آن، دوره‌ای طلایی را تجربه کرد. خروجی آن نسل را در تولیدات سینمای کودک و نوجوان دهه ۶۰ و ۷۰ نیز شاهد بودیم. حال پرسش این است: چه تعداد از تهیه‌کنندگان و تولیدکنندگان برنامه‌های کودک و نوجوان، دغدغه تولید آثاری همانند تولیدات دهه‌های ۶۰ و ۷۰ دارند؟ فارغ از هر نوع نگرش و نگاه باید به این نکته مهم توجه کرد که یکی از رازهای ماندگاری برنامه‌های حوزه کودک و نوجوان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تمرکز ویژه تولیدکنندگان بر حوزه کودک بود. از آثار سینمایی ماندگاری چون «شهر موش‌ها»، «گلنار و دزد عروسک‌ها» در دهه ۶۰ تا «سفر جادویی»، «گربه آوازخوان» و «مریم و میتیل» در دهه ۷۰ همگی نه تنها جزو پرمخاطب‌ها سینمای کودک بودند، بلکه همچنان نیز با پخش چندین باره علاقه‌مندان و مخاطبان بسیاری دارند. فاکتوری که سال‌های سال است چندان محلی از اعتبار ندارد و بسیاری از تهیه‌کنندگان و تولیدکنندگان به برنامه‌های حوزه کودک صرفا به عنوان یک فرصت شغلی نگاه می‌کنند. در این میان بی‌تردید حلقه مفقوده جدا از نبود همکاری بدون واسطه بین دستگاه‌ها و نهادها، عدم دغدغه‌مندی متولیان و متصدیان حوزه کودک و نوجوان است.

داریوش فرهنگ با حضور در دومین کارگاه انتقال تجربه در موزه سینما:

آموختن، فرآیند همیشگی در زندگی است

گروه فرهنگ و هنر: دومین جلسه کارگاه بازیگری و کارگردانی در سینما شامگاه پنجشنبه با حضور داریوش فرهنگ، بازیگر سینما و تلویزیون در سالن فردوس موزه سینمای ایران برگزار شد. در این کارگاه داریوش فرهنگ با اشاره به ماهیت و واقعیت سینما گفت: حرکت قطار سینما درست مانند زندگی است و از مسیرها و ایستگاه‌های مختلف عبور می‌کند و در این میان، عده‌ای سوار و برخی دیگر پیاده می‌شوند و این قطار از دل تاریخ سینما عبور می‌کند. فعالیت هنری همیشه از تقلید شروع می‌شود اما اگر قرار باشد در همان‌جا متوقف شود، همیشه فرد بهتری از شما وجود خواهد داشت، بنابراین باید تا ابد بیاموزیم و کسی که فکر کند همه چیز را می‌داند و دانسته‌هایش کافی است، آغاز سقوط خود را رقم زده است. این کارگردان باسابقه سینمای ایران همچنین با بیان اینکه تا زمانی که داستان و داستان‌گویی در جهان حاکم است، سینما برقرار خواهد بود، اظهار داشت: در طول این مسیر طولانی، به سینمای صامت رسیدیم که چند نابغه در آن مشغول هنرنمایی بودند. از جمله چارلی چاپلین، هارولد لوید و باستر کیتون که با خلاقیتی مثال‌زدنی، آثاری را پدید آوردند. دیدن هر لحظه از فیلم‌های چاپلین پر از خلاقیت، شگفتی و زیبایی است. چنین ظرافت‌هایی اتفاقی نیستند بلکه این افراد از نوابغ و دارای شگردهای شخصی هستند و برای همین همیشه ماندگار خواهند بود.

بازیگر سریال کلاه پهلوی همچنین با اشاره به هنرمندان و بازیگران مطرح سینمای جهان نیز گفت: کسانی چون لارنس الیویه و پل اسکوفیلد از دنیای تئاتر وارد این هنر شدند و به سینما ارزش دادند. از آن زمان تاکنون، ۲ نوع بازیگری در سینما رایج است؛ بازیگری تیپ و بازیگری شخصیت. بازیگران تیپ در کار خود استاد بودند و نمونه‌های موفقی از آنها در سینمای ایران هم وجود داشته است که مورد توجه و علاقه مخاطبان هم بودند.

وی افزود: به‌تدریج بازیگری پیچیده شد و ابعاد مختلف روانشناختی و جامعه‌شناختی پیدا کرد. قطار سینما همچنان در حال حرکت است و به ایستگاه‌های مختلفی می‌رسد که دیگر قهرمانان مدافع مظلومان، پاسخگو نیستند. در نتیجه مساله ضدقهرمان در حیطه شخصیت‌پردازی به وجود آمد و بازیگرانی چون رابرت دنیرو و آل‌پاچینو به این حرفه رونق دادند. این بزرگان به همراه افرادی چون کلینت ایستوود همچنان کار می‌کنند و این هنر را اعتبار می‌بخشند. وی ادامه داد: با هر اندازه از اندوخته‌ای که همراه داریم باید به دنبال راهی برای معنا بخشیدن به زندگی باشیم. وظیفه هنرمند در وهله نخست این است که چیزی به این جهان بیفزاید و تلاش کند تا چیزی از آن نکاهد.

فرهنگ تاکید کرد: شعار اصلی ما در هر شکلی از بازیگری نباید فراموش شود. این شعار عبارت است از سوال‌هایی نظیر «چه می‌گوییم؟ چه می‌شنویم؟ به چه کسی می‌گوییم؟ چگونه می‌گوییم؟ چرا می‌گوییم؟ کجا می‌گوییم؟ چه می‌شنویم؟ از چه کسی می‌شنویم؟ چگونه می‌شنویم؟ چرا می‌شنویم؟ کجا می‌شنویم؟». هر کدام از این جملات، جهانی دارد که کلیدواژه بازیگری است و اگر آنها را رعایت نکنیم، بازیگر خوبی نخواهیم شد.

فرهنگ درباره شیوه مواجهه بازیگر با یک نقش نیز گفت: بازیگران معمولا به ۲ شیوه شخصیت را می‌شناسند. در این جهان و درون همه انسان‌ها، عواطف مشترک بشری مانند شجاعت، مهربانی، تنفر و عشق وجود دارد که می‌توان این خصایص را در خود تقویت کرد و در ایفای نقش آنها را به کار گرفت. گاهی نیز از طریق بیرونی و توسط فیزیک به شخصیت نزدیک می‌شویم به همین دلیل توصیه می‌کنم همیشه اطراف خود را خوب ببینید.

وی ادامه داد: در ساخت یک فیلم سرعت عمل موضوع مهمی است و باید بتوانیم از امکانات موجود، نهایت استفاده را داشته باشیم. سینما یعنی حذف کردن. به یاد داشته باشید اضافه کردن هیچ‌وقت ما را به جایی نمی‌رساند. باید تا ابد بیاموزیم و کسی که فکر کند همه چیز را می‌داند و دانسته‌هایش کافی است، آغاز سقوط خود را رقم زده است.

کارگردان مجموعه «سلطان و شبان» ضمن در میان گذاشتن تجربیات و آموخته‌های خود با هنرجویان گفت: باید فکر کرد چطور می‌شود در «سکوت» بازی کرد تا بتوانیم بر لحظه‌ای که به وجود می‌آید متمرکز شده و آن را رشد دهیم. در سال‌های جوانی من پوستری از مارلون براندو را پیدا کرده و در خانه آن را کنار آینه گذاشته بودم و مرتب ظاهر او را با خود مقایسه می‌کردم و تلاش داشتم حتی مدل موی او را تقلید کنم. براندو معمولا در دیالوگ با بازیگر مقابل، دیر به سوال‌ها پاسخ می‌داد و من سعی می‌کردم شیوه حرف زدن او را تقلید کنم. تا اینکه روزی متوجه شدم من شباهتی با براندو ندارم و فهمیدم فعالیت هنری همیشه از تقلید شروع می‌شود اما اگر قرار باشد در همان جا متوقف شود، همیشه فرد بهتری از شما وجود خواهد داشت.
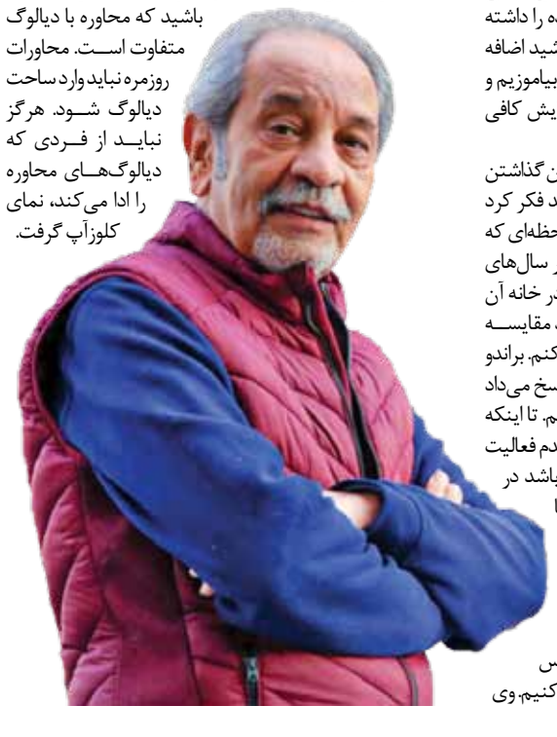
فرهنگ خاطرنشان کرد: برای انجام هیچ کاری در بازیگری عجله نکنید و آهسته و پیوسته حرکت کنید و اعمال را انجام دهید. از همان ابتدای پلان باید تلاش کنیم توجه بیننده را به خود جلب کنیم و حواس خود را بر عملی که در حال انجام آن هستیم متمرکز کنیم. وی افزود: فیلم دیدن یک ضیافت است و ما شما را دعوت می‌کنیم تا ما را ببینید. یک ضیافت باید دارای لحظه‌هایی درخشان باشد، در غیر این صورت فایده‌ای نخواهد داشت. توجه داشته باشید که محاوره با دیالوگ متفاوت است. محاورات روزمره نباید وارد ساحت دیالوگ شود. هرگز نباید از فردی که دیالوگ‌های محاوره را ادا می‌کند، نمای کلوزآپ گرفت.